

جستاری در کاربرست نظام‌واره‌ای تنزیلی در
استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان (مطالعه موردی
سوره‌های علق و بقره)



مجید چهری*



10.22034/JKSL.2024.411432.1236



مسعود اقبالی**



20.1001.1.27833356.1403.5.2.2.2



دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

مقاله: پژوهشی

چکیده

قرآن کریم یک نظام‌واره معرفتی بی‌همتاست؛ بدین معنا که تمام بخش‌ها و اجزای آن با هم مرتبط است و در سیر نزول سوره‌ها به ترتیبی خاص و پی‌درپی نازل شده است و گام‌به‌گام انسان‌ها را در تمام عرصه‌های موردنیاز، تربیت و هدایت می‌کند. امروزه هرگونه تفسیر و پژوهش در قرآن کریم به ترتیب نزول، «روش تنزیلی» نامیده می‌شود. آنچه با نظر به تحولات اجتماعی و نیازهای انسان‌ها در عصر حاضر ضروری به نظر می‌رسد، لزوم استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان است که در به‌کارگیری روش‌ها با موانعی روبه‌رو بوده است. مسئله اصلی در پژوهش حاضر پی‌جویی نوآوری در ترسیم روش‌ها با جستاری در شناخت جایگاه و کاربرست نظام‌واره‌ای تنزیلی در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، دو سوره علق و بقره را به‌عنوان نخستین سوره مکی و نخستین سوره مدنی بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، کاربرست نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی می‌تواند به‌عنوان روش و تحولی نو در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان به شمار آید. در این رویکرد، سوره علق، به‌عنوان نخستین سوره نازل‌شده، معارفی چون راهکارهایی نو در دعوت و تبلیغ دینی، مراحل تربیت دینی، ابتدای قرآن کریم بر معرفت‌بخشی و ابهام‌زدایی را ارائه کرده است؛ همچنان‌که از سوره بقره، به‌عنوان نخستین سوره مدنی، معارفی مانند انسجام‌بخشی به جامعه نبوی، راهبری ترقی‌ساز جامعه نبوی، شناخت دقیق جامعه نوپای دینی و پیشگیری از فعال شدن گسست‌های اجتماعی قابل استخراج است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نظام‌واره، ترتیب نزول، قرآن‌بنیان، سوره علق، سوره بقره.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسنول).

chehri@quran.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.





استناد به مقاله

چهری، مجید و اقبالی، مسعود. (۱۴۰۳). جستاری در کاربرست روش نظام‌واره‌ای تنزیلی در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان (مطالعه موردی سوره‌های علق و بقره). فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۲)، ۳۲-۵۵. doi: 10.22034/jksl.2024.411432.1236



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. بیان مسئله

قرآن کریم مجموعه‌ای معرفتی است که قرآن‌پژوهان و مخاطبان آن، در دوره‌های گوناگون و به مقتضای نیازها، به روش‌های مختلف به برداشت از آبخش‌خور زلال آن پرداخته‌اند. شاید از عصر نزول تاکنون، احساس نیاز به حضور قرآن در جامعه و برآوردن نیازهای جامعه بشری، مانند عصر کنونی موردانتظار نبوده است. این احساس نیاز با نظر به تجربه نمودن مکاتب مادی متفاوت و مدعی کمال و سعادت انسان و اداره جامعه و آشکار شدن ناکارآمدی آن‌ها در رساندن انسان به کمال فردی و اجتماعی، همچنین با توجه به نزدیک شدن جامعه به عصر ظهور منجی و انتظار او، شکل متفاوتی به خود گرفته است. اگر در دوران گذشته صرفاً نوعی نگاه مقدس به متن دین و عمل به آن جهت نیل به سعادت اخروی حاکم بود، در دوران معاصر، شبهه‌کارایی دین در اداره جامعه و برآورده‌سازی نیازهای افراد جامعه نیز مطرح است. بدین جهت اندیشمندان مسلمان و قرآن‌پژوهان در عصر حاضر می‌کوشند با نگاهی نو و با بهره‌گیری از روش‌های جدید، قرآن را به ساحت زندگی فردی و عرصه اجتماع بیاورند و ضمن زدودن شبهات موجود، دانش‌های موردنیاز بشر در این عرصه را از قرآن کریم استخراج نمایند. پژوهش‌هایی از این دست که عموماً در حوزه علوم انسانی به معنای اعم صورت می‌گیرد، امروزه با عنوان «علوم انسانی قرآن‌بنیان» شناخته می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد فرایند استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان ضمن دستیابی به موفقیت‌هایی، در برخی موارد دچار آسیب گردیده و در برخی موارد با موانعی روبه‌رو شده است (رجبی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵). با توجه به ضرورت استخراج و عرضه علوم انسانی قرآن‌بنیان، مسئله اصلی پژوهش حاضر، کیفیت ترسیم روشی نو در کار بست نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی به معارف قرآن و استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان است. نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی بدین معناست که قرآن کریم یک مجموعه معرفتی منسجم و منظم است که تمام بخش‌های آن با هم ارتباط دارد و یک نظام‌واره معرفتی را تشکیل داده است. رویکرد تنزیلی، این نظام‌واره را به ترتیب نزول سوره‌ها بررسی می‌کند تا سیر نزول معارف قرآنی و مراحل تحول‌آفرینی و تربیت فردی و اجتماعی را دریابد. می‌توان این نگاه را در فهم و برداشت از قرآن کریم رویکرد «نظام‌واره‌ای تنزیلی» نامید. نظام‌واره معارف قرآن کریم از انسجام و انتظام خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که به تصریح برخی از آیات، هیچ‌گونه اختلافی در آن نیست: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ



لَوْ جَدُّوا فِيهِ اخْتِلافاً كَثِيراً» (نساء: ۸۲). بازخوانی این ویژگی این مسئله را طرح می‌کند که آیا چنین مجموعه معرفتی، معارفش را به شکل نظام‌واره‌ای، شبکه‌ای، منسجم و کاملاً مرتبط با هم ارائه نموده است؟ اگر چنین است، همگامی با نزول آیات و سوره‌ها در روند طبیعی نزول، چگونه می‌تواند به‌عنوان روشی نو در استخراج علوم انسانی قرآن بنیان به شمار بیاید و برخی موانع موجود در این زمینه را مرتفع سازد؟ نویسندگان این جستار جهت پاسخ به این مسئله با بررسی جدول ترتیب نزول سوره‌های قرآن، دو سوره علق و بقره را به‌عنوان نخستین سوره مکی و نخستین سوره مدنی بررسی کرده‌اند. وجه انتخاب این دو مصداق، بررسی «نخستین مرحله تحول آفرینی فردی در مکه» و «نخستین مرحله تحول آفرینی اجتماعی و جامعه‌سازی در مدینه» و با نظر به امکان استخراج علوم انسانی قرآن بنیان با روش نظام‌واره‌ای تنزیلی است.

هدف این پژوهش، امکان‌سنجی گشودن دریچه و روشی نو در استخراج علوم انسانی قرآن بنیان است؛ بدین معنا که با مطالعه سوره‌های قرآن کریم به ترتیب نزول و توجه به موقعیت نزولی و محتوا و غرض آنها، بتواند امکان دستیابی به یافته‌های جدید را ضمن مطالعه نخستین سوره مکی و نخستین سوره مدنی بررسی و تحلیل نماید. ضرورت استخراج علوم انسانی قرآن بنیان، خصوصاً در دوران معاصر، بر کسی پوشیده نیست؛ به‌ویژه در دو حوزه «توان راهبری و اداره جامعه بشری»، «پاسخ به شبهات مربوط به کارآمدی دین». بدین جهت اندیشمندان مسلمان قرآن پژوهان معاصر برای پاسخ به این نیازها، با روش‌های متعددی به برداشت از قرآن و تفسیر و تدبر در آن پرداخته‌اند. این امکان وجود دارد به کار بستن نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی در تحلیل معارف قرآن باعث شود پژوهشگر قرآنی نتواند ارتباط شبکه‌ای هدفمند و معناداری را میان داده‌های مربوط به طرح و حل یک مسئله در قرآن کریم ترسیم کند و با نگاه حل مسئله و استخراج راهکار و دانش جدید، به قرآن کریم مراجعه نماید. از آنجاکه روش طرح موضوعات در قرآن کریم براساس مدلی خاص است و در بخش‌های مختلف و به تناسب و فراخور بحث طرح می‌شود، از طرفی هر بخش از این داده‌ها سبب نزول خاص و سیاق مشخصی دارد و در شبکه معنایی خاصی قرار می‌گیرد، نبود نگاه نظام‌واره‌ای می‌تواند به‌عنوان مانعی در استخراج علوم انسانی قرآن بنیان به شمار آید.

پژوهش‌های فراوانی در خصوص علوم انسانی قرآن بنیان نگاشته شده که هر کدام موضوعی



خاص را از جنبه عقیدتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی استخراج کرده یا روشی جدید را در این عرصه معرفی نموده است؛ همچنین همایش‌های متعددی نیز در این موضوع برگزار شده است. اما پژوهشی که با رویکرد نظام‌واره‌ای و بر مبنای روش تنزیلی، روش‌شناسی و استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان را بررسی کرده باشد، یافت نگردید. باین حال آنچه به‌عنوان پیشینه پژوهش در این خصوص به دست آمد، به شرح زیر است:

- کتاب فهم القرآن الکریم؛ التفسیر الواضح حسب الترتیب النزول اثر قرآن‌پژوه معاصر مراکشی محمد عابد الجابری که در سه جلد به‌دنبال ایجاد تحول در روش‌های استخراج مفاهیم عصری از قرآن کریم است. وی سوره‌های قرآن کریم را در سیر نزول به سه دسته تقسیم نموده است.

- عبدالکریم بهجت‌پور در آثار مرتبط با تفسیر تنزیلی همچون کتاب‌های تفسیر به ترتیب نزول: مبانی، اصول، قواعد و فواید، شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، و تفسیر همگام با وحی و نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش ترتیب نزول در تفسیر تربیتی قرآن» که نگاهی جدید به مفاهیم سور قرآن کریم به ترتیب نزول داشته است. او در این آثار می‌کوشد با این رویکرد، معارف جدیدی را از قرآن کریم استخراج نماید.

- سید منذر حکیم در مقاله «مطالعه قرآن براساس ترتیب نزول سوره‌ها» که در شماره‌های ۱ و ۲ فصلنامه مدیریت در اسلام منتشر شده است.

- جمشید ابزاری در کتاب تفسیر تحلیلی قرآن کریم. وی از نویسندگان معاصر است که نگارش مجموعه تفسیری خود را براساس رویکرد تفسیر به ترتیب نزول انجام داده و در مقدمه، اهمیت و ضرورت و مبانی و اصول تفسیر به ترتیب نزول را بیان کرده است.

- اسعد احمد علی صاحب تفسیر القرآن المرتب؛ منهج الیسر التربوي. وی در این کتاب، تربیت اسلامی قرآنی را براساس ترتیب نزول آیات و سوره‌ها تنظیم و تدوین و برای تربیت قرآنی شش مرحله معرفی نموده است.

- مقاله «نگاهی به تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول»، از احمد قدسی در مجله مطالعات تفسیری. وی که از منتقدان روش تفسیر به ترتیب نزول به شمار می‌رود، در این مقاله، ترتیب کنونی سوره‌ها را و حیانی دانسته و روش تفسیر تنزیلی را نه تنها امری ضروری به حساب نیاورده، بلکه آن را خلاف مصلحت و حکمت شمرده است.

- همایش روش‌شناسی استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان که توسط دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم در زمستان ۱۴۰۱ برگزار شد. این همایش در محورهای مختلفی به مباحث مربوط به روش‌شناسی استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان پرداخت.

- سه دوره همایش دوسالانه علوم انسانی قرآن‌بنیان در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ توسط دانشگاه علامه طباطبایی (ره). این همایش تاکنون دوسال یک‌بار برگزار شده و دوره آتی آن نیز در بهار ۱۴۰۳ برگزار خواهد شد.

- کتاب ساختار هندسی سوره‌های قرآن از محمد خامه‌گر که در سال ۱۳۸۶ توسط سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است. این کتاب نشان داده است که آیات هر سوره غرض واحدی را پیگیری می‌کند و نظم هندسی خاصی بر سوره‌ها حاکم است.

- کتاب پژوهشی در نظم قرآن از عبدالهادی فقهی‌زاده، چاپ‌شده در انتشارات جهاد دانشگاهی تهران. نویسنده در فصل چهارم این کتاب با ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآن، نقش سیاق در فهم آیات را بیان کرده و در فصل پنجم در باب تناسب و ارتباط سوره‌ها با یکدیگر بحث کرده و چند دیدگاه را نقد و بررسی نموده است.

همان‌گونه که در بررسی پیشینه از نظر گذشت، در هر کدام از حوزه‌های تفسیر به ترتیب نزول و علوم انسانی قرآن‌بنیان به تفکیک، پژوهش‌های مستقلی انجام شده، اما تاکنون با نگاه و رویکرد مطالعه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، مسئله استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان پژوهش نشده و پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری است.

پژوهش حاضر با ابتنای بر نظام‌واره دانستن معارف قرآن کریم که انسجام و هماهنگی کاملی در مطالب آن دیده می‌شود، همچنین مطالعه این نظام‌واره به ترتیب نزول سوره‌ها و جایگاه نزولی آن‌ها شکل گرفته است.

پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی، مفاهیمی همچون نگاه نظام‌واره‌ای، نگاه تنزیلی، علوم انسانی قرآن‌بنیان و ترسیم روند ساختاریابی جامعه نبوی در گفتمان قرآن کریم را تبیین کند. در ادامه، سوره علق به‌عنوان نخستین سوره مکی و سوره بقره به‌عنوان نخستین سوره مدنی بررسی خواهد شد. پژوهش در بررسی این دو سوره با روش توصیف و تحلیل و با توجه به اینکه هرکدام در مجموعه و نظام‌واره معارف قرآن چه نقشی دارد، به ترتیب و جایگاه نزولی آن‌ها توجه خواهد کرد؛ بدین معنا در این بررسی سوره علق و سوره بقره با نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی در امکان استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان مطالعه خواهد شد.



۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. نظام‌واره

بررسی اجمالی در کتب معتبر لغوی بیانگر آن است که معنای صحیح لغت «نظام»، از ریشه «ن ظ م» به معنای «انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر» است؛ بسان دانه‌های تسبیح یا مروارید یا هر چیزی با چنین ماهیتی که به رشته در آمده و با یکدیگر همراه شده است. به این عمل «انتظام» و به خروجی‌ای که از این کار به دست می‌آید، «نظام» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۸۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶؛ جوهری، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۰۴۱). در اصطلاح اندیشمندان اسلامی و غربی، نظام (سیستم)^۱ مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آن‌هاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شود و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۶۵). در این موضوع که آیا می‌توان قرآن کریم را مجموعه‌ای نظام‌مند دانست یا خیر، برخی قرآن‌پژوهان معترف به وجود نظام دقیق معارف قرآنی در محورهای مختلف بوده و برای این مصحف شریف، نظام ویژه اخلاقی و تربیتی و معرفتی قائلند و برخی آن را از وجوه اعجاز قرآن کریم نیز دانسته و در برخی موارد، حوزه‌هایی همچون مدیریت و اقتصاد را نیز بدان تعمیم داده‌اند (رک: رضائی اصفهانی، ۱۳۹۰، صص ۴۱۳-۵۱۹).

۲-۲. مطالعه تزیلی یا به ترتیب نزول

در نگاه نظام‌واره‌ای به معارف قرآن کریم، «روند نهادینه‌سازی باورهای دینی، سلب باورهای غلط، ترسیم ارزش‌ها و روند تشریح احکام»، در اکثر موارد به صورت مرحله‌ای و در قالب یک شبکه معرفتی براساس یک نظم مشخص، با مؤلفه‌های تعیین شده و گام‌به‌گام و در بسیاری از موارد، در چند حلقه از سوره‌های متعدد دنبال شده است؛ به‌عنوان مثال روند تشریح حجاب^۲ و برچیدن شراب^۳ را می‌توان در این خصوص معرفی کرد (نک: بهجت‌پور، ۱۳۸۹).

صراحت گفتاری قرآن در هدفمندی آن، جای هیچ‌گونه شکی برای آشنایان به معارف قرآن باقی نمی‌گذارد

1. system.

۲. احزاب: ۵۳ و ۵۵ و ۵۹؛ نور: ۳۰-۳۱ و ۵۸-۵۹.

۳. نحل: ۶۷؛ بقره: ۲۱۹؛ نساء: ۴۳؛ مائده: ۹۰.



که قرآن کتابی هدف‌دار و جهت‌دار است که گام‌به‌گام حقیقت‌جویان را به سرچشمه معنویت و کمال رهنمون می‌سازد. حال اگر قرآن یک هدف کلی داشته باشد، طبیعتاً سوره‌های قرآن کریم نیز هرکدام بخشی از این هدف را روشن می‌کند و رابطه‌ای معنادار و هماهنگ با هدف کلی قرآن برقرار می‌نماید. بدین‌سان می‌بینیم که پذیرش هدفمندی قرآن، در یک روند طبیعی، ما را به پذیرش هدفمندی سوره سوق می‌دهد و این سؤال را مطرح می‌کند که اگر هدف کلی قرآن هدایت است، پس سوره بقره، آل‌عمران، ناس یا هر سوره دیگری، چه بخشی از این هدایتگری را بر عهده دارد؟ آیا اگر یکی از این سوره‌ها در قرآن گنجانده نمی‌شد، باز هم هدف نهایی قرآن تأمین می‌گشت و همه ابعاد هدایت بیان می‌گردید؟ اگر به این سؤال پاسخ منفی بدهیم و اعتقاد داشته باشیم که هر سوره جایگاه ویژه خود را دارد و هیچ چیز جای آن را پر نخواهد کرد، آنگاه باید به این سؤال پاسخ دهیم که هدف ویژه هر سوره چیست و هر سوره در کلیت خود درصدد بیان چه پیامی است؟ اینجاست که به‌طور منطقی، بحث هدفمندی سوره‌ها مطرح می‌شود و پاسخ شایسته خود را طلب می‌کند.

در بررسی قرآنی و تاریخی و روایی منابع صدر اسلام و با رویکرد هم‌زمانی و درزمانی، درمی‌یابیم قرآن کریم به شکل تدریجی و سوره به سوره بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌شد و تا نزول یک سوره به اتمام نمی‌رسید، نزول سوره بعدی شروع نمی‌گردید. ذکر عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نیز نشانگر آن بود که نزول سوره قبل به اتمام رسیده و نزول سوره بعدی شروع شده است (نک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ص ۱). ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم، ترتیبی غیر از ترتیب مصحف موجود بوده است. منابع تاریخ قرآن کریم ما را با مجموعه‌ای از جداول ترتیب نزول سوره‌ها آشنا می‌کند (سیوطی، بی تا، ج ۱، صص ۵۹-۶۰؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۲) این جداولها از برخی صحابه و تابعان به دست ما رسیده است. اسامی این نقل‌ها عبارت است از: «نقل سعید بن مسیب از علی رضی الله عنه، نقل عطاء از ابن عباس موجود در مجمع البیان و المقدمتان و فضائل القرآن، نقل مجاهد از ابن عباس یا عکرمه یا حسن بصری موجود در در دلائل النبوة، نقل ابوصالح از ابن عباس موجود در تاریخ یعقوبی، جدول تلفیقی موجود در الصهرست ابن ندیم، جدول ترتیب نزول زهری در تنزیل القرآن و نقل جابر بن زید در الاتقان سیوطی» (بهجت پور، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۹۵-۱۲۵). این جداول که عمدتاً به ابن عباس برمی‌گردد، بسیار مورد بررسی و مذاقه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. معرفت در کتاب التمهید فی علوم القرآن (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۱۳۳-۲۳۷) و بهجت پور در مقدمه و بخش‌های ابتدایی آثاری همچون تفسیر همگام با وحی، شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم و تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و قواعد و قواعد)، به شکل کامل‌تری به بررسی ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته‌اند.



های موجود در عباس نهاده و کاستی معرفت در بررسی خود، مبنای را بر صحت جداول نزول منقول از ابن این جدول نزول را با جدول نزول جابر بن زید و دیگران و نیز نصوص تاریخی مورد اعتماد تکمیل نموده است تری به بررسی جداول ترتیب طور مفصل پور به (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۳۴). همچنین بهجت ها را با یکدیگر مقایسه نموده و یک ترتیب نزول نزول پرداخته و با آوردن تمامی جداول ترتیب نزول، همگی آن ها با یکدیگر معتقد جانبۀ آن متقن و قابل اعتماد به دست داده است. وی پس از ارائه جداول ترکیبی و مقایسه همه پور، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۱۷). مبنای است، توافق حداکثری در میان جداول ترتیب نزول وجود دارد (نک: بهجت ها، پژوهش اخیر است پژوهش حاضر در بررسی چینش نزول سوره

۲-۳. علوم انسانی قرآن بنیان

قرآن کریم صرفاً منبع استخراج علوم انسانی نیست؛ چه اینکه تمام دانش‌های مورد نیاز هدایت و تربیت مخاطبان در قرآن کریم است و علوم انسانی نیز بخشی از این دانش‌ها را در بر می‌گیرد: «وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹). در تعریف و تقسیم‌بندی علوم و دانش‌های بشری دیدگاه‌های فراوانی وجود دارد. تقسیم‌بندی این علوم به دو بخش انسانی و طبیعی، از اصلی‌ترین این دیدگاه‌هاست (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۰، صص ۲۵۷-۲۶۰). علوم انسانی به مجموعه دانش‌هایی گفته می‌شود که علوم انسان را از جهت خصوصیات ذهنی (باورها، علائق، عواطف) و ارتباطی او (رابطه‌اش با طبیعت و انسان‌های دیگر) بررسی می‌کند. حال اگر این بخش از علم بر مبنای قرآن کریم و مستخرج و مستکشف از آن باشد، «علوم انسانی قرآن بنیان» نامیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، علوم انسانی قرآن بنیان مجموعه علوم و دانش‌هایی است که در قالب بنایی مستحکم از علوم انسانی بر پایه آموزه‌های قرآنی پایه‌گذاری شده که هدف آن به کمال رساندن جوامع انسانی و ترویج تعالیم الهی جهت نیل بشر به کمال و سعادت است. از آنجاکه نهاد بشری در همه عرصه‌های خود نیازمند راهنمایی و دستگیری است، قرآن پژوهان در تلاشند با روش‌های مختلفی این دانش‌ها را از قرآن کریم استخراج و به جامعه عرضه نمایند (گلشنی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷).

۳. روند ساختاریابی جامعه نبوی از نگاه قرآن کریم

از دیگر مباحث مهم و ضروری در تبیین روش نظام‌واره‌ای تنزیلی سوره قرآن، آشنایی با روند ساختاریابی جامعه نبوی از نگاه قرآن کریم است. این بررسی از آنجا اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که مخاطبان قرآن کریم، گفتمان خود را در برابر دو سطح از مخاطبان بنا نهاده است که عبارتند از مخاطبان اولیه، یعنی «سطح مخاطبان اولیه»



(مخاطبان عصر نزول) و «مخاطبان ثانویه» (تمام مخاطبان اعصار بعد). قرآن کریم در مرحله نخست، راهبری و هدایت مخاطبان اولیه را در طول دوره بعثت رسول اکرم ﷺ بر عهده داشته و سپس با طراحی یک الگوی تمام‌عیار، به راهبری سایر جوامع دینی در اعصار بعد پرداخته است. با نظر به روند شکل‌گیری جامعه نبوی در طول دوره زمانی بعثت پیامبر ﷺ، آیه ۲۹ سوره فتح چهار مرحله برای شکل‌گیری و رشد جامعه نبوی (ص)، به شرح زیر، ترسیم نموده است:

الف) «أَخْرَجَ شَطْأَهُ» رشد به صورت جوانه و شاخه‌های کوچک. این مرحله مربوط به ابتدای دعوت پیامبر ﷺ در مکه است که قرآن کریم از آن به «شَطْأً» تعبیر کرده است. واژه «شَطْأً» (ج) «أشطاء» به شاخه‌های کوچک (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۷۶) که تازه از درخت بیرون زده یا جوانه‌هایی که تازه از زمین روییده، معنا شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۱).

ب) «فَأَزْرَهُ» رشد به صورت نهال نوپا. واژه «أَزْرَهُ» را به «بزرگ‌شدن، تقویت یافتن و قدرت شدید» معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴).

ج) «فَأَسْتَعْلَظُ» مرحله تنومندی و قوام یافتن. «استغلاظ» نقطه مقابل سستی است و آن را به «غلظت و استحکام» معنا نموده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۵۰). برخی نیز آن را «مستحکم شدن گیاه و درخت و استوار گشتن آن را بر ساقه‌های خود» دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۴۹).

د) «فَأَسْتَوِي عَلَى سَوْقِهِ» مرحله استقلال و ایستادن بر پایه‌های خود. دو مرحله از سیر تکامل جامعه نبوی، یعنی «رشد از حالت دانه‌ای» و «نهال‌گونه‌ان»، در مکه رخ می‌دهد و همزمان با ورود پیامبر ﷺ و مهاجران به مدینه، دوره‌های بعدی یعنی «تنومندی» و «استحکام یافتن» و «دوره استوار شدن بر پایه‌ها» در این مرحله طی می‌شود.

۴. بررسی مصداقی سوره علق

همان‌گونه که در ابتدای بحث اشاره شد، نگاه نظام‌واره‌ای به معارف قرآن، پنجره دریافت‌های جدیدی را به روی قرآن‌پژوهان می‌گشاید. بدین جهت دو حوزه مورد مطالعه پژوهش شامل سوره علق و سوره بقره بررسی و تحلیل خواهد شد.

۱-۴. بررسی محورهای کلان و غرض سوره

سوره علق نخستین سوره نازل‌شده بر پیامبر اکرم ﷺ است و تمام گزارش‌های ترتیب نزول این مسئله را تأیید



می‌کند (بهجت پور، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۳). این سوره ۱۹ آیه دارد و لازم است آن را با نظر به آغاز بعثت نبوی و نخستین مرحله از اهداف چهارگانه قرآن که عبارت از «جوانه زدن و تولید شاخه‌های کوچک» است، بررسی کنیم. این سوره نخستین حلقه از این گام نخست است و با نظر به این جایگاه در سیر هدف نزول قرآن، در فرایند روش‌شناسی استخراج علوم انسانی قرآن بنیان بررسی می‌شود.

آنچه مسلم است اینکه لزوم ترسیم گام‌های تحول‌آفرین مهم و بنیادین در سوره علق به‌عنوان نخستین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ، ترسیم‌کننده گام‌های تحول‌آفرین و بنیادین است. محتوای این سوره دارای دو بخش اصلی است: آیات ۱ تا ۸ که در آن شاهد بحث از مراحل خلقت انسان و واسپاری دانش به او و همچنین برخی انحرافات پیش‌روی وی هستیم؛ آیات ۹ تا پایان سوره که شاهد بیان مصداقی از مخالفت‌های عصر نزول با پیامبر اکرم ﷺ هستیم که ضمن بیان آن، برخی تهدیدها و عاقبت‌اندیشی‌ها نیز تبیین شده است.

در بحث از غرض سوره، با نظر به روش کشف محورهای کلی سوره و تلاش در شناخت گام‌های تحول‌آفرین، می‌توان دریافت که این سوره متشکل از چهار اصل مهم تحوّل است: اول اصل تعلیم خدا به انسان. طرح اصل شناخت در دو آیه ۱ و ۲ این سوره، از شناساندن انسان به خود وی و لزوم شناخت خداوند متعال حکایت دارد؛

دوم اصل نیازمندی انسان. همچنین با توجه به دو آیه ۱ و ۲ و با نظر به اصل تحوّل «نیاز»، انسان موجودی مخلوق خداوند متعال و آن‌به‌آن نیازمند به او شناخته می‌شود. چه‌بسا در بحث از اصل معنایی «علق»، بتوان وابستگی را نیز از وجوه معنایی این واژه دانست؛ زیرا «علقة» که یکی از مراحل خلقت جسم انسان است، حالتی است که انسان به مادر وابسته و به دیواره رحم آویزان است.

سوم اصل سرکشی انسان. در این اصل، انسان موجودی معرفی می‌شود که با احساس بی‌نیازی، سر به طغیان می‌نهد؛ آنجا که در آیات ابتدایی سوره می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (علق: ۷). طبق این آیه، خداوند ابتدا به انسان شناخت داد و سپس وی را نیازمند معرفی نمود. ممکن است چنین بنماید که اگر انسان این شناخت و نیاز را نداشته باشد و خود را از خداوند متعال بی‌نیاز و مستغنی ببیند، سر به طغیان می‌نهد و از مسیر کمال و سعادت بیرون می‌رود.

چهارم اصل علم خدا به انسان. در یکی از کلیدی‌ترین آیات سوره و با تعبیر «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللّٰهَ يَرَى» (علق: ۱۴)، به حضور خدا در تمام صحنه‌های زندگی اشاره می‌کند. این اصل یکی از گام‌های مهم تحول‌آفرین برای همه انسان‌ها است.

۴-۲. سوره علق در رویکرد نظام‌واره‌ای تنزیلی با نظر به استخراج علوم انسانی قرآن بنیان

از آنجا که علوم انسانی در اکثر عرصه‌های زندگی انسان حضور دارد و نوع گرایش‌ها و رفتارها و عملکردهای او را مدیریت می‌کند، پس ضروری است قرآن کریم به‌عنوان مرجع اصلی موردنیاز این دانش‌ها به‌شمار آید. در بررسی سوره علق با روش نظام‌واره‌ای تنزیلی و با رویکرد استخراج علوم انسانی قرآن بنیان، می‌توان مؤلفه‌های مهمی را استخراج نمود. با نظر به غرض سوره، مؤلفه‌های قرآن بنیانی مانند موارد ذیل قابل بررسی است:

الف) دعوت و تبلیغ دینی. آنچه در آیات ۱ تا ۵ سوره علق دیده می‌شود، کیفیت ترسیم گام‌های دعوت به خداست؛ بدین معنا که مخاطبان برای شناخت خداوند متعال، نخست لازم است نسبت به اصل وجودی خود و کیفیت خلقت خود شناخت به دست آورند. نکته مهمی که در حوزه دانشی علوم انسانی قرآن بنیان ضرورتاً نیازمند واری و پردازش است، کیفیت دعوت به دین و تبلیغ معارف دینی است؛ به روشی که بتواند مخاطب را متحول کند و به سمت معارف دینی سوق دهد. چنین می‌نماید که این مسئله از روش نظام‌واره‌ای تنزیلی بهتر قابل استخراج و فهم است و چنین رویکردی به سوره‌ها می‌تواند رویکردی نو در برداشت از قرآن کریم باشد.

ب) شناسایی مراحل تربیت دینی. در این بخش نیز می‌توان این دانش را از سوره علق به دست آورد که تربیت انسان، مرحله‌ای و فرایندی است. قرآن کریم نظام مرحله‌ای را به کار بسته، اما چون از علم مطلق الهی صادر شده است، فرایندی به شمار نمی‌آید؛ بدین معنا که تربیت انسان تحت راهبری قرآن کریم، محمول آزمون و خطا نیست. آشنایی با سیر مراحل تربیت انسان، ذیل مجموعه دانش‌های تربیتی به شمار می‌آید و چنین می‌نماید که ابتدای مجموعه این دانش‌ها بر سیر تربیت دینی در قرآن کریم، ما را بهتر و سریع‌تر به مطلوب خواهد رساند.

ج) نظام معرفتی و ابهام‌زدایی: از بحران‌ها و چالش‌های مهم دوران معاصر بحران هویت و چالش شناخت مبدأ و جایگاه و معاد انسان است که از مجموعه دانش‌های علوم انسانی و ذیل دانش فلسفه قابل بررسی است. آیات ۱ تا ۸ سوره علق یک جهان‌بینی ویژه به مخاطب می‌دهد؛ چراکه بخش مهمی از حوزه‌های دانشی در علوم انسانی، به تفکر و تلاش در فهم آغاز خلقت و مراحل خلقت انسان ارتباط دارد. بحث از این حوزه دانشی، گستره قابل تأملی در سراسر قرآن کریم را در بر می‌گیرد که نخستین پرده از آن در نخستین آیات سوره علق بازتاب یافته است. درحقیقت، با نظر به اینکه این سوره نخستین گام از مراحل تحول و تربیت انسان را محقق نموده است، می‌توان به وجود یک نظام دقیق معرفت‌بخش و ابهام‌زدا در حوزه شناخت انسان در قرآن کریم اشاره کرد که بخش آغازین آن، در سوره علق قابل استخراج است.



۵. بررسی مصداقی سوره بقره

۵-۱. بررسی محورهای کلان و غرض سوره

بررسی محتوای سوره بقره و کشف محورهای اصلی آن، به پژوهشگر در دستیابی به غرض سوره یاری می‌رساند. بدیهی است بر مبنای وحدت غرض سوره‌ها، محورهای محتوایی هر سوره دقیقاً در راستای تأمین غرض سوره به کار گرفته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد سوره بقره از دو محور اصلی تشکیل شده است. در بخش نخست که از ابتدای سوره تا آیه ۱۴۴ را شامل می‌شود، شاهد بیان سه قصه اصلی شامل قصه آدم و حوا، ابلیس و بنی اسرائیل هستیم. در محور دوم که از آیه ۱۴۵ تا پایان سوره را شامل می‌شود، عمدتاً احکام شرعی بیان شده است. طبیعتاً در دو محور فوق به مباحث دیگری نیز اشاره شده، اما محورهای اصلی سوره دو محور مذکور است.

قصه آدم و حوا از آیه ۳۰ تا ۳۹، اشاره به «ابلیس» در آیه ۳۴ و با تعبیر «شیطان» در آیات ۳۶، ۱۶۸، ۲۰۸، ۲۶۸ و ۲۷۵ و قصه بنی اسرائیل به تفصیل و با اندکی پراکندگی در آیات ۴۰ تا ۱۴۴ آمده است. کوتاهی و بلندی قصه‌ها در قرآن کریم مدنظر نیست؛ بلکه رویکرد قرآن کریم در بیان قصه‌ها تا آنجا ادامه دارد که به تأمین هدف مورد نظر بینجامد. بر این اساس، می‌توان خلاصه‌ای از مقصود ذکر داستان و تفهیم آن به مخاطب را این‌گونه جمع‌بندی کرد که در داستان «خلقت آدم و حوا»، خداوند خلیفه‌ای به اسم «آدم» بر زمین می‌گمارد. آدم ابتدا در بهشت بود و سپس خداوند او را نسبت به نزدیک شدن به شجره ممنوعه نهی کرد. آدم و حوا فریب ابلیس را خوردند و به نهی خداوند توجهی نکردند. اشاره به قصه استکبار ابلیس از سجده کردن بر آدم و داستان تمرد و عهدشکنی بنی اسرائیل نیز از دیگر موارد و با درون‌مایه‌ای مشترک با داستان آدم به شمار می‌رود.

در بررسی بخش دوم از آیه ۱۴۴ تا آخر سوره می‌توان گفت، از آنجاکه ارتباط انسان با خدا و به تبع آن رابطه انسان با جامعه، از مهم‌ترین ابعاد روابط انسان است، عهد و میثاق‌های انسان با خدا و تبیین جایگاه آن در مجموعه رفتارهای انسان اهمیتی ویژه دارد. طی بررسی انجام‌شده در بخش دوم محورهای محتوایی، به تفصیل شاهد بیان احکام شرعی هستیم. این تشریحات مجموعه قوانینی به شمار می‌آید که در جهت قوام‌دهی به ابعاد ارتباطی انسان و تقویت انسجام اجتماعی در جامعه نبوی در سال‌های نخست حضور در مدینه، در سوره بقره تعبیه شده است.

جهت طی نمودن موفق فرآیند شناسایی غرض سوره لازم است به هندسه نزول قرآن کریم توجه ویژه داشت.



بدین معنا که قرآن کریم ابتدا ناظر بر شرایط مخاطبان اولیه عصر نزول نازل شده و گام به گام روند شکل‌گیری جامعه دینی در عصر نبوی را راهبری نموده است. در این مرحله گام‌های تحوّل‌آفرینی و فرایند باورسازی و تولید آرمان‌های الهی در جامعه نوپای دینی، در مکه و مدینه به تدریج طی شده است. بر این اساس جهت دستیابی به مسئله مهم غرض سوره لازم است از مسیر کشف ارتباط و هدف هر سوره با روند رشد و تعالی خواهی در جامعه دینی در عصر نزول بهره‌برد. همچنان که برای این مهم آشنایی اجمالی با مراحل شکل‌گیری جامعه نبوی در مرحله سوم رشد، یعنی دوره استحکامیابی جامعه نبوی، مانند تحوّل، رشد و پیشرفت جامعه نوپای دینی در مدینه، ضروری است.

به گفته برخی از مفسران، سوره بقره درصدد «تعیین شاخصه‌های ایمان در شرایط جدید حضور مسلمانان در مدینه و برخورد با آفت‌ها و آسیب‌هایی است» که از گزینش و انتخاب دلخواه احکام تشریح شده ناشی می‌شود. در این سوره، ضمن آسیب‌شناسی رفتار دینداران گذشته، از جمله ابلیس و اهل کتاب، برای پایداری بر کلیت و هویت واحد دینی و اسلامی، راهنمایی‌هایی صورت گرفته و درباره هرگونه نقض عهد و پیمان و تفکیک بین احکام و برخورد گزینشی آن‌ها هشدار داده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، صص ۳۸۱-۳۸۲).

۲-۵. سوره بقره با رویکرد نظام‌واره‌ای تنزیلی با نظر به استخراج علوم انسانی قرآن بنیان

علوم انسانی قرآن بنیان در عرصه راهبری اجتماعی جامعه دینی، از مهم‌ترین نیازها و ضرورت‌های جامعه دینی منسجم و موفق به شمار می‌رود. قرققرآ «ققاز در بررسی سوره بقره با روش نظام‌واره‌ای تنزیلی و با رویکرد استخراج علوم انسانی قرآن بنیان، می‌توان مؤلفه‌های مهمی را استخراج نمود. دستاوردهای ذیل که با نظر به محتوا و غرض سوره بقره به دست آمده است، بخش اندکی از یافته‌های قابل استحصال و استخراج از این سوره است و در ارتباط با بُعد اجتماعی تربیت دینی در جامعه نبوی و استخراج علوم انسانی قرآن بنیان قرار دارد.

۲-۵-۱. انسجام‌دهی به جامعه نبوی:

نظام‌واره معارف قرآن کریم در سوره بقره، به طرق مختلف، جایگاه و اهمیت عهد و میثاق‌های الهی را به مخاطبان یادآوری کرده و از طریق بیان عواقب سوء عهدشکنی برخی دینداران گذشته، این مهم را به انجام رسانده است.

۲-۵-۲. راهبری ترقی‌ساز جامعه نبوی

جامعه نبوی یا آخرین الگوی دینی و اجتماعی بشریت، تحت مدیریت مستقیم خداوند متعال شکل گرفته و به تصریح آیه ۲۹ سوره فتح، چهار مرحله جوانه‌زدن، به شکل نهال درآمدن، تنومندی و قوت‌یافتن و درنهایت،



استوار شدن و ایستادن بر پایه‌های خود را از سر گذرانده است. با در نظر گرفتن تربیت و هدایت بشر به‌عنوان هدف نهایی از نزول قرآن کریم و همچنین راهبرد الگوسازی جامعه نبوی، چنین می‌نماید که سوره بقره طی یک نظام‌واره منسجم و به‌عنوان هشتماد و هفتمین حلقه در ترتیب نزول، شکل‌گیری و ترقی این جامعه را در ابتدای مرحله سوم جامعه‌سازی پیش برده و در این مسیر، با آسیب‌شناسی‌های به‌موقع، آن را از بحران‌ها و گذرگاه‌های حادثه‌خیز به سلامت عبور داده است. مواردی مانند هشدار درباره آسیب‌های نفاق و منافقان (بقره: ۸-۲۰)، الزام مؤمنان به پابندی به عهد و میثاق الهی (بقره: ۲۷ و ۴۰)، ترسیم قوانین انسجام‌بخش اجتماعی (بقره: ۱۴۸-۱۵۳ و ۱۷۸-۱۸۵)، آسیب محتمل از جانب اهل کتاب (بقره: ۷۶-۸۰، ۸۴-۸۸) و... ناظر به این مساله‌اند.

۵-۲-۳. ارائه شناختی دقیق از جامعه نوپای دینی و پیشگیری از فعال شدن گسست‌های اجتماعی

بررسی‌ها در سوره بقره با کاربست نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی نشان می‌دهد، بسترهای مناسبی برای وقوع نقض عهد فردی و جمعی در سال‌های نخست حضور پیامبر و مؤمنان پیشرو در مدینه وجود داشته است که در این میان، سوره بقره در جایگاه نظام‌واره‌ای منسجم و واقع در هشتماد و هفتمین حلقه از ترتیب نزول، با یک هدف محوری، ضمن انسجام‌دهی به جامعه نوپای دینی از رهگذر بیان عواقب سوء عهدشکنی و ترسیم قوانین جدید، از وقوع نقض عهد جمعی در جامعه نبوی پیشگیری نموده است. به شرح زیر، به تعدادی از بسترها و عوامل مناسب فعال شدن گسست‌های اجتماعی و نقض عهد جمعی در سال‌های نخست مدینه اشاره می‌کنیم:

الف) از بسترهای مناسب وقوع نقض عهد جمعی، تنوع جغرافیای اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی است؛ به گونه‌ای که اجتماع و فرهنگ و اعتقادات متنوعی، ساختار اجتماعی جزیره‌العرب (ناس، ۱۳۸۲، ص ۷۰۶) و خصوصاً مدینه عصر نزول را تشکیل داده بود.

ب) غلبه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی اهل کتاب که خود یکی از مهم‌ترین بسترهای وقوع نقض عهد در سال‌های نخست حضور پیامبر اکرم ﷺ در مدینه به شمار می‌رفت. اهل کتاب مدینه به‌عنوان قشری ثروتمند، با تکیه بر هویت دینی‌شان، خود را از سایر اقشار اجتماعی مدینه برتر می‌دانستند. یهودیان از ساکنان اصلی یثرب به شمار می‌آمدند و بسیاری از آنان در سال ۷۰ میلادی به سرزمین حجاز و یمن مهاجرت کرده بودند (یوسفی غروی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰۸). امام صادق (ع) در روایتی، دلیل اصلی سکونت آنان در مدینه را انتظار ظهور پیامبر آخرالزمان دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، صص ۳۰۹-۳۱۰). این انتظار آنان تا حدی بود که در برخی نبردهایشان با بنی‌غطفان این دعا را می‌خواندند: «اللَّهُمَّ (إِنَّا) نَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي وَعَدْتَنَا أَنْ تُخْرِجَهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِلَّا نَصَرْتَنَا عَلَيْهِمْ» (ابن‌قتیبه، بی‌تا، ص ۵۶؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۱-۳۲)؛

ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۸۸).

ج) ساختار نظام قبیله‌ای و فقدان نظم اجتماعی و سیاسی در سرزمین حجاز از دیگر بسترهای مهم امکان وقوع نقض عهد فردی و خصوصاً جمعی در مدینه بود؛ چراکه در جزیره‌العرب، قبیله اساسی‌ترین واحد سیاسی و اجتماعی بود و به دو نوع قبایل یک‌جانشین و کوچ‌نشین تقسیم می‌گردید (برزگر، ۱۳۹۲ش، صص ۸۷-۸۸). در موارد متعددی، با اسلام آوردن رئیس قبیله تمام افراد قبیله وی نیز اسلام می‌آوردند (العلی، ۱۳۹۱، صص ۳۱۹-۳۳۳؛ برزگر، ۱۳۹۲، صص ۱۰۲-۱۰۳) و این مسئله بستری مناسب بود تا با روی‌گردانی رئیس یا بزرگان قبیله از اسلام و نظم اجتماعی جدید، سایر افراد قبیله نیز از این پیمان گسسته شوند. قرآن کریم در آیات متعددی پابندی به ارزش‌های قبیله‌ای و سنت نیاکان را دلیل ایمان نیاوردن برخی از مخاطبان دانسته است (بقره: ۱۷۰؛ مانده: ۱۰۴؛ اعراف: ۲۸، ۹۵ و ۱۷۳؛ شعراء: ۷۴؛ لقمان: ۲۱؛ زخرف: ۲۲ - ۲۳).

د) وجود گروه بیمارذلان و منافقان در سال‌های نخست دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جمع مؤمنان بستر مرتبط دیگر بود. عبارت «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» در قرآن کریم به این گروه اشاره دارد (مدثر: ۳۱؛ بقره: ۱۰). با استناد به ترتیب نزول قرآن کریم، منافقان نیز در اواخر حضور پیامبر در مکه، به‌ناچار با جریان اسلامی هم‌قدم شدند (عنکبوت: ۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، صص ۲۸۸-۲۸۹).

۵-۲-۴. آسیب‌شناسی پیشگیرانه از وقوع نقض عهد فردی و اجتماعی

از دیگر دستاوردهای نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی به سوره بقره در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان این نکته است که این سوره به‌عنوان نخستین سوره مدنی، در بیان چهارچوبی که در بحث از روند ساختار یابی جامعه نبوی از نظر گذشت، در بخشی از مرحله استحکام‌بخشی و قوام‌دهی به جامعه نبوی در حوزه راهبری و آسیب‌شناسی، یعنی از ابتدای مرحله سوم شکل‌گیری و تومندی و قوت‌یافتن، ایفای نقش نموده است. با توجه به شرایط ویژه ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، شکل‌گیری رسمی جامعه و وضع قوانین الهی همگام با نزول سوره بقره مشخص می‌شود. در این سوره با یک آسیب‌شناسی همگام و هدفمند همراه با ذکر مصادیق متعددی از نقض عهد مؤمنان گذشته با ابزار بیان قصص، بر اهمیت عهد و میثاق‌های الهی و لزوم پابندی مؤمنان به آن بسیار تأکید شده است؛ همچنین انسجام و استحکام‌یافتن جامعه نوپای دینی و ترقی مؤمنان در تصحیح و تقویت روابط اجتماعی و نیز بروز نیافتن آسیب تشکیک و سستی در دین و نقض عهد جمعی در دوره سوم شکل‌گیری، مشروط به میزان پابندی تک‌تک آنان به عهد و میثاق‌های الهی دانسته شده است.



نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تفحص در مسئله «جستاری در کاربرست نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان» و بررسی مصداقی سوره علق و سوره بقره، نتایج زیر به دست آمد:

هدف قرآن کریم هدایت و تربیت انسان‌هاست. با نظر به این هدف، قرآن کریم نظام‌واره‌ای منسجم و هدفمند است؛

با توجه به هدفمندی قرآن کریم در تربیت و هدایت بشر، این هدف در قالب ۱۱۴ غرض اصلی در ۱۱۴ سوره نهادینه شده و قابلیت جلوه‌نمایی دارد؛ از این رو طبق بررسی به‌عمل آمده و با در نظر گرفتن روند ساختاریابی جامعه نبوی می‌توان گفت، معارف قرآن کریم به شکل تدریجی و نظام‌واره نازل شده و در رویکرد تنزیلی، ناظر به نیازهای مرحله‌ای و گام‌به‌گام مخاطبان بوده است؛

علوم انسانی مجموعه‌ای از دانش‌های موردنیاز برای تربیت و هدایت مخاطبان قرآن کریم است و قرآن کریم مرجع اصلی این دانش‌ها به شمار می‌رود. در صورت کشف و استخراج این دانش‌ها از قرآن کریم، آن را «علوم انسانی قرآن‌بنیان» می‌نامیم؛

در شناسایی روش‌های کشف و استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان، یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌ها، روش معرفی شده در این مطالعه یعنی روش نظام‌واره‌ای تنزیلی است. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که تحول‌آفرینی در کشف و استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان، با کاربرست نگاه نظام‌واره‌ای تنزیلی ممکن است؛

کاربرست همزمان نگاه نظام‌واره‌ای و روش تنزیلی در بررسی دو مصداق موردبررسی در پژوهش، یعنی سوره علق به‌عنوان نخستین سوره مکی با هدف ایجاد تحول فردی همه‌جانبه و سوره بقره به‌عنوان نخستین سوره مدنی با هدف راهبری و ایجاد تحول اجتماعی، وجود نظام‌واره معرفتی دقیقی را در قرآن کریم همگام با نزول ثابت می‌کند؛ با رویکرد نظام‌واره‌ای تنزیلی به سوره علق در می‌یابیم این سوره به‌عنوان نخستین سوره نازل‌شده شامل طرح مؤلفه‌های تربیتی و تحول‌آفرینی مانند اصل تعلیم خدا به انسان، اصل نیازمندی انسان به خدا، اصل سرکشی انسان و اصل علم خدا به انسان است. همچنین رویکرد نظام‌واره‌ای تنزیلی در بررسی سوره علق می‌تواند در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان در مواردی مانند دعوت و تبلیغ دینی، گام‌های تربیت و تحول دینی، نظام معرفتی و ابهام‌زدایی و رد انگاره کارایی نداشتن دین در عصر حاضر به کار آید؛

با رویکرد نظام‌واره‌ای تنزیلی به سوره بقره در می‌یابیم این سوره به‌عنوان نخستین سوره مدنی شامل طرح مؤلفه‌هایی مانند طرح بایسته‌های ارتباط مؤمنان با رهبر جامعه و ترسیم قوانین انسجام‌بخش است؛ همچنین رویکرد نظام‌واره‌ای تنزیلی در بررسی سوره بقره می‌تواند در استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان در مواردی مانند انسجام‌دهی به جامعه نبوی، راهبری ترقی‌ساز جامعه نبوی، ارائه شناختی دقیق از جامعه نوپای دینی و پیشگیری از فعال شدن گسست‌های اجتماعی و درنهایت، آسیب‌شناسی پیشگیرانه از وقوع نقض عهد فردی و اجتماعی به کار آید.

کتاب نامه

- قرآن کریم. (فولادوند، مترجم).
ابن عاشور، محمد الطاهر. (بی تا). *التحریر والتنویر*. الدار التونسية للنشر والدار الجماهيرية للنشر والتوزيع والإعلان.
ابن کثیر، عبدالله بن مسلم. (بی تا). *تفسیر غریب القرآن*. مكتبة الهلال.
ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. (۱۴۰۸ق). *البدایة والنهاية (علی شیری، محقق)*. دار احیاء التراث العربی.
ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. (۱۴۲۲ق). *تفسیر الوسیط*. دار الفکر.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. دار صادر.
ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۱۲ق). *تهذیب اللغة*. دار احیاء التراث العربی.
العلی، صالح احمد. (۱۳۹۱). *دولت رسول خدا ﷺ*. (هادی انصاری، مترجم). پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۲). *تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران*. سمت.
بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۹۵). *همگام با وحی*. انتشارات سبب النبوی.
بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۸۹). *درآمدی بر اصول تحول فرهنگی*. مؤسسه بوستان کتاب.
بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۹۲). *تفسیر به ترتیب نزول مبانی اصول قواعد و فوائد*. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۹۳). *مهارت های بیان تفسیر*. انتشارات تمهید.
بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۹۴). *شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم*. نشر تمهید.
بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۸۷). *نقش ترتیب نزول در تفسیر تربیتی قرآن*. دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم، ۲(۳)، ۶۷-۷۶.
DOR: 20.1001.1.20086016.1387.2.3.5.8
جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۶). *قرآن در قرآن*. مرکز نشر اسراء.
جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۲۶ق). *الصحاح*. انتشارات دارالعلم للملایین.
حویزی، محمد الکریمی. (۱۴۰۲ق). *التفسیر لکتاب الله المنیر*. المطبعة العلمية.
رجبی، ابوذکر. (۱۴۰۰). *سنجش تحلیلی انتظارات مقام معظم رهبری ناظر به تحول علوم انسانی قرآن بنیان با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب*. قرآن و علم، ۱۵(۲۹)، ۱۰۵-۱۳۴.
Doi: 10.22034/QVE.2022.6636
رشید رضا، محمد. (۱۴۳۲ق). *تفسیر المنار*. دار احیاء التراث العربی.
رضائی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۰). *علوم قرآن ۲: اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی*. انتشارات بین المللی المصطفی.
رضائیان، علی. (۱۳۸۴). *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم*. انتشارات سمت.
زحیلی، وهبة بن مصطفی. (۱۴۱۱ق). *التفسیر المنیر فی العقیبة والشریعة والمنهج*. دار الفکر.
زرقانی، محمد عبد العظیم. (بی تا). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. مكتبة التوفیقة.
زركشي، بدر الدين محمد. (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. دار المعرفة.
سید قطب. (۱۴۱۵ق). *فی ظلال القرآن*. دار الشروق.
سیوطی، جلال الدین. (بی تا). *الإتقان فی علوم القرآن*. دار الکتب العربی.
شرف الدین جعفر. (۱۴۲۰ق). *الموسوعة القرآنية خصائص السور*. دار التقریب بین المذاهب الاسلامیة.
صدر، محمدباقر. (۱۴۲۸ق). *المدرسة القرآنية*. مرکز البحوث والدراسات الاسلامیة للشهید الصدر.
طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. انتشارات مرتضوی.



- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. نشر هجرت.
 فیروزآبادی، مجد الدین. (بی تا). بصائر ذوی التمییز فی لطائف کتاب الله العزیز. المكتبة العلمية.
 قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. بنیاد بعثت.
 کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، محقق). دار الکتب الاسلامیة.
 گلشنی، مهدی. (۱۳۷۷). از علم سکولار تا علم دینی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 مجلسی، محمدباقر. (بی تا). مرآة العقول. بی نا.
 محمود شحاته، عبدالله. (۱۳۶۸). اهداف و مقاصد قرآن کریم (سید محمدباقر حجتی، مترجم). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 مدرسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). من هدی القرآن. دار الهدی.
 مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. دار احیاء التراث العربی.
 مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). قرآن شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۹ق). التمهید فی علوم القرآن. انتشارات تمهید.
 مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب العلمیة.
 ناس، جان بایر. (۱۳۸۲). تاریخ جامع ادیان (علی اصغر حکمت، مترجم). شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
 نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۷۹). تفسیر آسان. انتشارات اسلامیة.
 واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق). أسباب نزول القرآن. دار الکتب العلمیة.
 یوسفی غروی، محمدهادی. (۱۴۱۷ق). موسوعة التاريخ الاسلامی. مجمع الفکر الاسلامی.



An Inquiry into the Application of the Systematic Sequential Descending Method in Extracting Quran-Based Human Sciences (Case Study of Surahs Al-'Alaq and Al-Baqarah)

Received: 2023/08/13

Accepted: 2024/03/12

[10.22034/JKSL.2024.411432.1236](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.411432.1236)[20.1001.1.27833356.1403.5.2.2.2](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.411432.1236)

* Majid Chehri



** Masoud Eghbali

Type of Article: Researching

Abstract

The Holy Quran is a unique epistemological system, meaning that all its parts and components are interconnected and were revealed in a specific and sequential order. This progressive revelation guides and educates humans in all necessary aspects. Today, any interpretation and research of the Holy Quran following the order of revelation is called the "revelatory method." Given the social changes and human needs in the contemporary era, it is essential to extract Quran-based human sciences, which has faced certain obstacles in the application of methods. The primary issue in this research is exploring innovations in method design through an inquiry into the systematic revelatory method's role and application in extracting Quran-based human sciences. Using a descriptive-analytical approach, this study examines Surahs Al-'Alaq and Al-Baqarah, the first revealed Meccan and Medinan Surahs, respectively. The results indicate that applying the systematic revelatory approach can be considered a novel method in extracting Quran-based human sciences. In this approach, Surah Al-'Alaq, as the first revealed Surah, offers insights such as new strategies in religious invitation and preaching, stages of religious education, and the Quran's foundation on knowledge and clarity. Similarly, from Surah Al-Baqarah, as the first Medinan Surah, insights such as unifying the prophetic community, guiding the community's progress, understanding the nascent religious society, and preventing the activation of social divisions can be extracted.

Keywords: Holy Quran, Systematic Approach, Order of Revelation, Quran-Based, Surah Al-'Alaq, Surah Al-Baqarah.

*.Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Quranic Sciences, Kermanshah, University of Quranic Sciences and Teachings, Qom, Iran (Corresponding author)

chehri@quran.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Quranic Sciences, Kermanshah, University of Quranic Sciences and Teachings, Qom, Iran.



سال پنجم

شماره دوم

پیاپی شانزدهم

تابستان ۱۴۰۳



Introduction:

The Holy Quran is a unique epistemological system in which all parts and components are interconnected, and its chapters were revealed in a specific and sequential order. Scholars have presented different perspectives on the mode of the Quran's revelation, but it generally seems that the Quran was revealed gradually, with a new chapter beginning only after the previous one was completed. It can be inferred that the purpose of this gradual revelation by Almighty God was to guide humanity step-by-step in all necessary areas and to gradually educate them. Nowadays, any interpretation and research in the Quran that considers the order of revelation is called the " revelatory or descending method ". In this approach, the researcher views the Quran as a coherent system, and its guidance and education can be identified step by step, considering the stages of human growth and development. On the other hand, in light of social changes and contemporary human needs, there is a necessity to derive Quran-based humanities, which has faced challenges in methodological application. The main issue in the present research is exploring innovation in delineating methods with an inquiry into the application of the systematic revelatory approach in extracting Quran-based humanities, focusing on the chapters Alaq and Baqarah as the first revealed Meccan and Medinan chapters, respectively.

Research Method:

This study employs a descriptive-analytical method to elucidate concepts such as a systematic perspective, the revelatory perspective, Quran-based humanities, and the structural formation process of the prophetic community within the discourse of the Holy Quran. Subsequently, the chapter of Alaq, as the first revealed Meccan chapter, and the chapter of Baqarah, as the first revealed Medinan chapter, will be examined. The study will analyze these chapters descriptively and analytically, considering the role each plays in the comprehensive and systematic knowledge of the Quran, focusing on their sequential and revelatory positions. In this context, chapters Alaq and Baqarah will be studied with a systematic revelatory perspective to explore the possibility of extracting Quran-based humanities.

Research Findings:

The study of the existing literature and the generated scientific works related to this research reveals a new approach:

1. By considering the Quran's knowledge as a system and aligning with its gradual revelation, a new perspective can be opened in Quranic studies and research.
2. Another finding of the research is the purposefulness of the Holy Quran in guiding and educating humanity. This purpose is embedded in the 114 main objectives of the 114 chapters, which have the potential to manifest. Therefore, according to the study and considering the structural formation process of the prophetic community, it can be said that the knowledge of the Holy Quran was revealed gradually and systematically, addressing the incremental and step-by-step needs of its audience.
3. The systematic knowledge of the Quran, considering the necessity for human guidance and education, has been designed with a specific structure, allowing for its application in any condition and era. From this epistemological system, Quran-based humanities can be derived using the Ta revelatory method.



Results:

After investigating and exploring the issue of "Inquiry into the Application of the Systematic revelatory Approach in Extracting Quran-Based Humanities" and examining the specific examples of the chapters Alaq and Baqarah, the following results were obtained:

- Quran-based humanities comprise a set of essential knowledge for guiding and educating the Quran's audience, with the Holy Quran being the primary source of this knowledge. When these fields of knowledge are discovered and extracted from the Holy Quran, they are referred to as "Quran-based humanities."
- In identifying methods for discovering and extracting Quran-based humanities, one of the most important and practical methods is the systematic revelatory method introduced in this study. The conducted investigations show that transformative discovery and extraction of Quran-based humanities are possible through the application of the systematic revelatory perspective.
- The simultaneous application of a systematic perspective and the revelatory method in examining the two specific examples in this study—chapter Alaq as the first revealed Meccan chapter, aimed at comprehensive individual transformation, and chapter Baqarah as the first revealed Medinan chapter, aimed at guiding and bringing about social transformation—demonstrates the presence of a precise epistemological system in the Holy Quran, consistent with its revelation.
- With a systematic revelatory approach to chapter Alaq, we find that this chapter, as the first revealed chapter, includes components of educational and transformative principles such as the principle of God's teaching to humanity, human dependence on God, human rebellion, and God's knowledge given to humans. Additionally, the systematic revelatory perspective in studying chapter Alaq can be applied in extracting Quran-based humanities in areas such as religious invitation and preaching, steps for religious education and transformation, epistemological systems, ambiguity removal, and refuting the notion that religion is ineffective in the contemporary era.
- With a systematic revelatory approach to chapter Baqarah, we discover that this chapter, as the first revealed Medinan chapter, includes elements such as outlining the requirements for believers' relationship with the community leader and formulating cohesive laws. Moreover, the systematic revelatory perspective in examining chapter Baqarah can be used to extract Quran-based humanities in areas such as consolidating the prophetic community, leading the progressive development of the prophetic community, providing precise knowledge of the emerging religious community, preventing the activation of social fractures, and ultimately, preventive diagnosis of individual and social covenant breaches.

How to cite

Chehri, M., & Eghbali, M. (2024). An Inquiry into the Application of the Systematic Sequential Descending Method in Extracting Quran-Based Human Sciences (Case Study of Surahs Al-'Alaq and Al-Baqarah). *Quran, Culture And Civilization*, 5(2), 32-55. doi: 10.22034/jksl.2024.411432.1236

References

- Holy Quran. (Fooladvand, Translator). [in Persian]
- Al-Ali, S. A. (2012). The State of the Prophet (PBUH) (Hadi Ansari, Translator). Research Institute of Hawzah and University. [in Persian]
- Al-Azhari, M. A. (1992). Tahdhīb al-Lugha. Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Bahjattpour, A. (2008). The Role of the Order of Revelation in Educational Interpretation of the Quran. Specialized Journal of Quran and Science, 2(3), 67-76. DOR: 20.1001.1.20086016.1387.2.3.5.8. [in Persian]
- Bahjattpour, A. (2010). An Introduction to the Principles of Cultural Transformation. Bustan-e-Ketab Institute. [in Persian]
- Bahjattpour, A. (2013). *Tafsir in Order of Revelation: Foundations, Principles, Rules, and Benefits*. Islamic Thought and Culture Research Institute Publications. [in Persian]
- Bahjattpour, A. (2014). *Skills in Interpretation*. Tamhid Publications. [in Persian]
- Bahjattpour, A. (2015). *The Chronological Order of the Descent of the Surahs of the Holy Quran*. Tamhid Publishing. [in Persian]
- Bahjattpour, A. (2016). Along with the Revelation. Sebt al-Nabi Publications. [in Persian]
- Barzegar, E. (2013). History of State Transformation in Islam and Iran. SAMT. [in Persian]
- Farāhīdī, K. A. (1989). *Kitāb al-`Ain*. Hijrat Publishing. [in Arabic]
- Firouzābādī, M. D. (n.d.). *Basā'ir Dhawī al-Tamīz fī Lafā'if Kitāb Allah al-Azīz*. Al-Matba'a al-Ilmiyya. [in Arabic]
- Golshani, M. (1998). From Secular Science to Religious Science. Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Ḥuwayzī, M. al-K.. (1982). *Tafsīr Likitābillāh al-Munīr*. Al-Matba'a al-Ilmiyya. [in Arabic]
- Ibn `Ashur, M. T. (n.d.). *Al-Taḥrīr wa Al-Tanwīr*. Tunisian Publishing House and Jamahiriya Publishing House for Distribution and Advertising. [in Arabic]
- Ibn Kathīr, I. (1987). *Al-Bidāya wa'l-Nihāya* (Ali Shiri, Investigator). Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Ibn Kathīr, I. (1988). *Tafsīr al-Wasīf*. Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Ibn Manzūr, M. M. (2001). *Lisān al-`Arab*. Dar Sader. [in Arabic]
- Ibn Quṭaybah, A. M.. (n.d.). *Tafsīr Gharīb al-Qur'an*. Al-Hilal Library. [in Arabic]
- Javadī `Amulī, A. (2007). *Quran in Quran*. Esra Publishing Center. [in Persian]
- Jawhari, I. H. (2005). *Al-Ṣiḥāḥ*. Dar al-Ilm Lilmalayin Publications. [in Arabic]
- Kulaynī, M. Y. I. (1986). *Al-Kāfī* (Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, Investigators). Dar al-Kutub al-Islamiyya. [in Arabic]
- Mahmoud Shehata, A. (1989). Objectives and Purposes of the Holy Quran (Seyed Mohammad Bagher H. , Translator). Islamic Culture Publishing Office. [in Persian]
- Majlisi, M. B. (n.d.). *Mir'āt al-Uqūl*. No Publisher. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, N. et al, (1995). *Tafsir Nemuneh*. Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [in Persian]
- Marāghī, A. M. (n.d.). *Tafsīr al- Marāghī*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Ma' refat, M. H. (2008). *Al-Tamhīd fī `Ulūm al-Quran*. Tamhid Publications. [in Arabic]



- Mesbah Yazdi, M. T. (2006). Quranology. Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Persian]
- Modarresi, M. T. (1986). *Min Huḍā al-Quran*. Dar al-Huda. [in Arabic]
- Najafi Khomeini, M. J. (2000). Easy Interpretation. Islamic Publishing. [in Persian].
- Noss, J. B. (2003). Comprehensive History of Religions (Ali Asghar Hekmat, Translator). Scientific and Cultural Publishing Company. [in Persian]
- Qurashī, A. A. (1998). *Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth*. Be'sat Foundation. [in Persian]
- rajabi, A. (2022). An Analytical Assessment of the Expectations of the Supreme Leader for the Evolution of the Quranic- Based Humanities: Emphasizing the Declaration of Second Step of Revolution. *The Qur'an And Science*, 15(29), 105-134. doi: 10.22034/QVE.2022.6636. [in Persian]
- Rashid Riḍā, M. (2011). *Tafsīr al-Minār*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Rezaei Esfahani, M. A. (2011). Quranic Sciences 2: The Miracle of the Quran in Natural and Human Sciences. International Publications of Al-Mustafa. [in Persian]
- Rezaeian, A. (2005). Systems Analysis and Design. SAMT Publications. [in Persian]
- Sadr, M. B. (2007). The Quranic School. Center for Islamic Research and Studies of Martyr Sadr. [in Arabic]
- Sayyid Quṭb. (1994). *Fi Zīlāl al-Quran*. Dar al-Shorouk. [in Arabic]
- Sharaf D. J. (1999). The Quranic Encyclopedia: Characteristics of the Surahs. Dar al-Taqrīb Bayn al-Madhahib al-Islamiyya. [in Arabic]
- Suyūfī, J. D. (n.d.). *Al-Itqān fi 'Ulūm al-Quran*. Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]
- Ṭabāṭabāī, M. H. (1996). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Quran*. Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [in Arabic]
- Ṭurayhī, F. D. M. (1996). *Majma al-Baḥrain*. Mortazavi Publications. [in Arabic]
- Wahidi, A. A. (1995). *Asbab Nuzul al-Quran*. Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [in Arabic]
- Yousefi Gharavi, M. H. (1996). Islamic History Encyclopedia. Islamic Thought and Culture Institute [in Persian].
- Zarkashī, B. M. (1989). *Al-Burhān fi 'Ulūm al-Quran*. Dar al-Ma'rifa. [in Arabic]
- Zarqānī, M. A. A. (n.d.). *Manāhil al-'Irfān fi 'Ulūm al-Quran*. Al-Tawfiqiya Library. [in Arabic]
- Zuhaylī, W. M. (1991). *Al-Tafsīr al-Munīr fi al-Aqīdah wa al-Sharia wa al-Manhaj*. Dar al-Fikr. [in Arabic]

پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

